



تصفیه حساب تاریخی

تمام ملت‌های دنیا و بخصوص غربیها، به تاریخ و فرهنگ کهن ایران بدهی بسیار سنگینی دارند، چرا که برای هزاران سال، از موهبت خدایان جور و واجور، فرشتگان، شیاطین، و آداب و رسوم، و سایر اختراعات اجداد ما ایرانیان بطور مجانی و گاهی هم دزدکی استفاده کرده و بوسیله دکانداران دین که آداب رسوم برگرفته از فرهنگ کهن ما را برای عوام فریبی وارونه جلوه داده اند، سالهای سال خوشحال و خوشبخت زندگی کرده، آداب و معاشرت آموخته و کلی از این راه به بهشت و جهنم رفته اند.

در نتیجه، اگر اجداد ما ایرانیان این خدایان و پیامبران را خلق نکرده بودند، معلوم نبود که امروزه مردم دنیا بدون خدا و پیامبران کاذب و آلت دست شیادان دکاندار، چه خاکی به سرشان میکردند.

و اما از طرف دیگر ما ایرانیان هم به مردم فلک زده و در دام شیادان دین گرفتار آمده دنیا بخصوص آن بخش احمقی که خرافه پرستی را به یگانه پرستی ترجیح داده و آلت دست دین فروشان قرار گرفته و زندگی خود و بازماندگان نسل خود را در راه خرافات تباه کرده اند، پند و اندرز بدکاریم، چرا که بخاطر این خدا و پیامبران کاذب، هزاران سال است که ملت از بخت برگشته بجان هم افتاده و سر کار گذاشته شده اند.

و اینجاست که میگویند چاه کن همیشه ته چاه است. چرا که اگر سلمان پارسی و قبل از او سایر ایرانیان سیاستمدار، بفکر اختراع خدا و پیامبر نیافتاده بودند، امروزه ملت دنیا این همه گرفتاری نداشتند و خود ما هم در ته چاه 1400 ساله اسلام گیر نکرده بودیم.

به شهادت تاریخ، کتاب آفرینش اولین کتاب معتبر و مذهبی یهودیان و مسیحیان، به استناد فرهنگ کهن ایران و با استفاده از داستانها و افسانه های موجود در زندگی آنروز پدران ما جمع آوری و تهیه شده و بعدها نام کتاب آفرینش را بخود گرفته. تمام حوادث و روایات موجود در کتاب آفرینش، داستانهای زندگی اجداد ما بوده که طی سالیان متمادی و سینه به سینه به اروپائیان رسیده.

بجز در ایران کهن، در هیچ کجای کره خاکی، فرهنگ و مدنیتی وجود نداشته تا حوادث و حماسه آفرینی مردمان آن، سر مشق رمانها و داستانهای موجود در کتاب آفرینش شده باشد و همه می دانیم که بر خلاف ادعای کلیسا و کنیسا، هیچیک از این افسانه ها از آسمان نباریده .

به صراحت می شود بیان کرد که تمام مطالب و داستانهای موجود در کتاب آفرینش و سایر کتابهای مذهبی پیشین، تقلید شده از داستانها و افسانه های آئین میترائیسم آریائی می باشند که بعد از سال 4842 آریائی، و از حدود 2200 سال پیش، این داستانها وارد اروپا شده و مردم اروپا کم کم شروع به آموزش و نگارش آنها کرده و با تقلید از آئین کهن آریائی، شروع به خلق اساطیر افسانه ای اروپائی و قهرمانان خیالی داستانهای خود بگونه ای که میخواستند، کرده اند.

آریائیها، از هفت هزار سال پیش، آغاز زمستان را به عنوان بلندترین شب و زاد روز میترا جشن می گرفتند و این شب را پربرکت ترین شب سال میدانستند. و همین جشن میترا به انضمام کلیه آداب رسوم آن، چند صد سال پس از میترا، با چند روزی جابجائی، به 25 دسامبر منتقل شده است، و بعنوان زاد روز مسیح - بجای میترا - به مردم دنیا غالب و تا به امروز جشن گرفته می شود.

شرم بر آنهاییکه حتی کاردانی و تونائی تهیه و برپائی یک جشن تولد را برای پیامبر گمنام خود نداشته اند و مانند محمد تازی نفد را به نسبه ترجیح داده و با سرقت و برپائی آداب و رسوم کهن ایرانیان بنام مسیح، کمر همت به زدودن و نابودی فرهنگ ما بستند.

بد نیست که بدانید تا حدود یک هزار سال بعد از تولد مسیح - فقط جشن تولد میترا بود که همه جا جشن گرفته میشد و دکانداران کلیسا تا آنزمان، حتی بفکر تولد مسیح هم نبودند، و اصلاً نمیدانستند که مسیح چه روزی بدنیا آمده. همچنانکه امروز هم کلیسای ارتودکسها و ارمنیها مسیحی، روز تولد عیسی مسیح را روز 25 دسامبر نمی دانند و بر این واقعیت معترفند که جشن 25 دسامبر بر گرفته و یا بقول معروف، دزدیده شده از فرهنگ ایران باستان است و در اصل نمیدانند که مسیح کی بدنیا آمده و کی به صلیب کشیده شده و کجا دفن شده و از همه مهمتر اینکه، عده ای معتقدند، که داستان به صلیب کشیده شدن مسیح بر گرفته از سر گذشت چند مبارز و اسیر جنگیست، که بدست جلادان دولت رم به صلیب کشیده شدند، و کپی کردن سرانجام زندگی این اسیران بنام مسیح، برای مظلوم جلوه دادن او بوده، و یک کلاهبرداری و جعل تاریخی است.

(به نقل از کتاب آئین اوستا)

وجود کاج در جشن 25 دسامبر بر گرفته از بزرگداشت سرو آریائی است، وجود بابائوئل اقتباسی از چهره تخیلی میترا است، که با کلاهی بر سر، ریش سپید، و ردائی قرمز در آغاز زمستان سرد، با هدایائی برای فرزندان آریا بوم از شومینه ها فرود می آمده و آنان را مورد مهر و عنایت قرار می داده.

مهم اینجاست که فقط از دویست سال پیش، میترای آریائی تبدیل به بابائونل مسیحی شده و توسط دکانداران کلیسا بفروش میرسد و کلیسا داران با بیش‌رمی تمام آئین میترائی چندین هزار ساله را به دکان مسیحیت تبدیل کرده اند.

ننگ ابدی بر ایرانیانیکه به خدمت دکانداران کلیسا در آمده و کپی جعلی آداب و رسوم و آئین پدری خود را در راه اهداف شیطانی کلیسا و سایر دین فروشان، وسیله فریب هم وطنان خود قرار داده و از آشفته بازار پیروان محمد تازی بهره جسته و در تلاشند که با استفاده از تریبون تلویزیونهای لوس آنجلسی، جوانان نا آگاه و مردم عامی فریب پذیری را که به همت انجمن پادشاهی ایران و با کاردانی و درایت بزرگ مردی چون دکتر فرود فولادوند، از چاله نکبت بار و ننگین اسلام رهائی یافته اند، به چاه متعفن مسیحیت انداخته و طوق استحمار دیگری را بگردن آنها بیاندازند.

و صدها ننگ بر کسانیکه در سده هفتاد و یکم آریائی، کور کورانه به دنبال خرافات مذهب از دنیای واقعیتها چشم پوشیده اند و در بین شبکه مافیائی ادیان سامی و مذاهب وابسته به آنها، از این شاخه به آن شاخه می پرند و در آرزوی بهشت کذائی بسر میبرند. و افتخار بر ایرانیان مسیحی که فرهنگ بسرقت رفته پدران خود را بنام مسیحیت و آداب و رسوم وارداتی از اروپا، جشن می گیرند و کلی هم به آن افتخار می کنند.

برای آگاهی تمام مدعیان و سارقین فرهنگ کهن آریائی، همچنانکه ما با شهامت تمام به گناهان اجداد خویش در مورد تولید و ساخت خدا و پیامبر و صدور آنها به سرتا سر کره خاکی و ایجاد هزاران فرقه و شاخه اعتراف می کنیم، شما هم مرد و مردانه اعلام کنید که تمام آداب و رسوم و فرهنگ به سرقت برده از ایرانیان را وارونه ساختید و بخاطر منافع سود جویانه خود، دکان دین و مذهب براه انداختید و هزاران سال است که خون میلیونها انسان بیگناه را بنا حق ریخته و هنوز هم دست بردار نیستید.

و خلاصه تمام این مقدمات نگاشته شد تا جان کلام، بگویم چشمتان روشن، که عیسی مسیح نیز پسر عموی محمد تازی از آب در آمده و روح القدس همان الله تازی است، که بمحض ورود به عربستان، تغییر نام داد تا اعراب کنجکاو نتوانند به سوء پیشینه خونین او پی ببرند.

همانگونه که سلمان پارسی، خالق دین اسلام و محمد تازی بوده، چند پارسی فرخیخته و سیاستمدار نیز، استاد، مشوق، استراتژیست و طراح دین مسیحیت و خالق روح القدس و نویسندگان نمایشنامه مسیحیت بوده اند

باز می گردیم به کتاب آئین اوستا :

ایرانیان در آفرینش مسیحیت مهمترین و نخستین نقش را داشته اند. چرا که عیسی مسیح از سن یازده سالگی تا سن بیست و هشت سالگی به عنوان دانش آموز و دانش پژوه، در امپراطوری ایران، (ایران، هند و کشمیر که در آن هنگام تماماً تحت تسلط دولت ایران بودند)، زندگی می کرده و درسهای فراوانی از اوستا و دانشگاههای ایران آموخته بوده.

پس بخاطر داشته باشید که عیسی مسیح دانش آموز و دست پرورده خودمان بوده و بسیاری از تایخ نویسان نیز اطمینان دارند که عیسی مسیح مدت 18 سال از عمرش را در ایران گذرانده و مشغول آموزش و دیدن دوره‌های مختلف (پیامبری) بوده. (تازه فهمیدیم که اجداد ما دانشگاه پیامبر سازی هم داشته اند !)

پس بی جهت نیست که امروزه، حزب الهی ها در سرتاسر دنیا پرت و پلا شده و دست به هر گونه جنایت ممکن و غیر ممکن می زنند. ، صدا از سنگ در می آید ، ولی صدای آیت الله تونی بلر و حجت الاسلام جورج دبلیو بوش در نمی آید که نمی آید، و با جان و دل مشغول پذیرائی از آدمکشان تروریست و حامیان آنها، و خوشحال از اینکه می توانند با حمایت از این جانپان، عده ای فرصت طلب و وطن فروش، و لابیستها و مزدوران رژیم را به فساد کشیده و ثروت ملتهای ستم دیده دنیا را بالا بکشند. ننگ بر شما باد.

ولی امروزه ما بروشنی به دلائل و ریشه های اتحاد و همکاری کلیسای دین فروش و حزب الله آدمکش پی برده ایم و می دانیم که مسیحیان حامی جنایتکاران و غارتگران، همان افراد مسیح الله سابق هستند، که اعمال و کردار آنان با حزب الله هماهنگ است، و چون هر دو پسوند ننگین الله را بدنبال می کشند، از قدیم گفته اند که سگ زرد برادر شغال است.

فراموش نکنید که عیسی مسیح الله در ایران مشغول آموزش فلسفه ، دارو سازی و پزشکی بوده است. و معجزه های او مبنی بر درمان و مداوای بیماران غشی و تراخمی ، بر خاسته از آموزشهای پزشکی او در ایران بوده، که در روستاهای عقب افتاده آن دوران اروپا ، کمکهای اولیه او خارقالعاده و معجزه بنظر می آمده.

باز خدا را شکر که (آقای دکتر) عیسی مسیح الله سواد داشته و مثل محمد تازی قالتاق نبوده - و خلاصه این ایرانیان بوده اند که دکان دینداری او را برنامه ریزی و آموزشهای لازم را به او داده اند. و اما جای بسیار تعجب است که کلیسا نشینان هم کار قوم ابوالعرب را کرده، و 18 سال تحصیلات و آموزش علمی عیسی مسیح الله را در ایران بزرگ و متمدن آنروز، از تمام دنیا مخفی نگاه داشته و علومی را که او از دانشمندان ایرانی آموخته بوده، برای عوامفریبی مردم، بحساب الله یا همان روالقدوس گذشته اند.

پس تنها آخوندها نبوده اند که حقایق تازینامه و سلمان پارسی و سرگذشت صدها قهرمان ملی ما چون بهمن جازویه، فیروز نهاوندی ، بهزاد همدانی و دیگر عزیزان را از ما مخفی نگاه داشته اند، و جای بسی خوشحالیست که شکوفائی و غرش فرهنگ با عظمت آریائی از پس پرده های سیاه تاریخ سر برون کرد و حقایق را برای ما و همه دنیا آشکار ساخت. و ملت به اصطلاح متمدن و مسیحی اروپا و آمریکا، فعلا تا اینجا، 600 سال از ما عقبتر تشریف دارند، چرا که دکانداران کلیسا بمدت 2000 سال است که عیسی مسیح الله، دست پرورده خودمان را ، فرزند روح القدس و پیامبر بی پدر به دنیای مسحیت غالب کرده و خدا میدانند ، چها که بنام این پدر و پسر نکرده اند!

اگر به انجیل مراجعه کنید:
در متن صریح انجیل آمده است که:

پیامبری و نجات دهندگی قوم یهود بدست عیسی مسیح الله بشارتی از سوی دانشمندان و ستاره شناسان بزرگ ایران بوده است.

اینهم مشاوران پارسی برای عیسی مسیح الله !
و جا دارد که هموطنان در مورد عمل کرد سلمان پارسی با محمدابن عبدالله ، زیاد دلگیر نباشند، ولی مشکل در اینجا است که سلمان پارسی، خائن از آب در آمد و داستانهائی سر هم کرد که بعد از 1400 سال - هنوز ما نتوانسته ایم از شرش خلاص شویم -

ولی یاران پارسی (دکتر) عیسی مسیح الله و یا بعبارتی دیگر همان دانشمندان و ستاره شناسان ایرانی، در حقیقت کارگزاران و ماموران دولت هخامنشی بوده اند، و برای حمایت از دولت هخامنشیان و مقابله با دولت رم ، که به اذیت و آزار یهودیان پرداخته بوده ، چاره کار در آن می بینند که برای تضعیف نیروهای رومی ، یهودیان و افراد ناراضی را بر علیه دولت بشورانند .

برای تقویت این شورش از وعده های تورات کمک می گیرند، و چون یهودیان تحت ستم ، چشم براه یک نجات دهنده و پیامبر بوده اند، در نتیجه ، خلق یک پیامبر بهترین بهانه برای شورش آفرینی و درهم شکستن دولت رم بوده است.

بنام به قدرت و عظمت تفکر فرزندان زرتشت که بزرگترین و طزیفترین حرکت سیاسی را ، حدود 2100 سال پیش طراحی و چنان ماهرانه به اجرا در آورده اند که پس از 2100 سال تداوم ، هنوز پیروانش اندر خم یک کوچه اند، و امروزه شاهکار قویترین سازمانهای جاسوسی دنیا این است که الدنگی مثل سید علی گدا را بنام ولایت وقیه به شیعیان قالب کنند تا چند صباحی جیب آنها را خالی و یا عده ای را سر ببرند.

این بد بختها هنوز به مغزشان هم خطور نکرده که خود و کلیه ایل و تبارشان بمدت 2000 سال، و هنوز هم که هست ، مانند عروسکهای خیمه شب بازی گرفتار و اسیر نمایشنامه ای هستند که سناریو آن بدست ابر مردان توانای ایران نوشته شده و کارگردان این نمایشنامه 2000 ساله، یعنی عیسی مسیح الله، دست پرورده خودمان بوده است. و اگر آثار فرهنگی و تاریخی و سیاسی پدران ما بدست اعراب تازی ، چنگیز ، اسکندر و خمینی غارت و به آتش کشیده نمی شد ، آیا امروزه دولت فخریه جرات پرورش آخوند و سگ توله های مذهبی و انداختن آنها بجان ما را بخودش میداد ؟

وای بر شما ، اگر یکبار دیگر هوس چپاول ایران بسرتان بزند! به ایرانم سوگند، که پیامبری از مریخ برایتان ارسال خواهیم کرد تا بفهمید یک من شیر چقدر کره دارد !

تف به شرفی که ندارید و بیش از 2000 سال است که بجای رهائی ملت خویش از شر خرافات مافیای مذهب، فقط به غارت و چپاول یکدیگر و سایرین پرداخته اید!

خاتمه کلام، امیدواریم که بزودی داستان تعلیم و تربیت موسی کلیم الله و مشاورین پارسی او هم رو شود تا یکباره خیال همه دنیا از شر ادیان سامی و شاخ و برگهای نا خلف آنها راحت شود و به امید یزدان پاک - سده اول قرن هفتاد و یکم آریائی، پایان عمر دکانداران و جنایتکاران دین فروش خواهد بود.

ای مام وطن ، درود به عظمت تاریخ و فرهنگ پرافتخارت که بیش از یکهزار و چهارصد سال - تمام دنیا بر علیه تو و برای نابودی تو تلاش کردند. و امروزه فرزندان پاک آریائی ات ، تو را سربلند و سرافراز می خواهند، و با تکیه بر تاریخ کهنهت ، بر آنند که محمد تازی و امام زمان کذائی و همه الله و بالله پرستان را به صحرای عربستان باز گردانند.

ایران ما امسال باید آزاد گردد

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد آئین ریشه ای

نوشیروان

انجمن پادشاهی ایران - کانادا

جمعه، 05/11/2004